

علی غضیب و لکافون عذاباً مهیناً **نوع دیگر** این غریمت را بنویس بر پاره
 کاغذ مهر زنگ و در جایه انداز میان هر دو جدائی افتد و القینا علیکم العداوة
 و البغضا و الی یوم القیمه و یصدکم عن الصلوة فصل فم انتم منتهون من فلان
 بن فلان علی العداوة و البغضا و علی الصلوة فلان بن فلان المعجل النعمان
 اسامه **نوع دیگر** قدری آب دهان کریمه سیاه بر جایه آنکس مال بر بیا
 این جدائی افتد تا عمر هر دو باشد **نوع دیگر** اگر خواهی میان دو زن و
 اخنی بنویس این طبع را بر کاغذ سفید و بر کور کنه دفن کن تا از قدرت حق تعالی
 محاسبی نباشد

تا چه اگر کسی کریمه باشد این اسم را بنویسد و در آتش گذارد کریمه حاضر شود
 این است یا شیعیان **نوع دیگر** برای غلام کریمه گیر و هفت دانه قفل و بر آن هفت خمره
 سر و پس بخواند تا آنجا که من الکرمین و قفل را به بند و در سبوی آب اندازد تا سر
 سده بیاید بویان خدا یتعالی **نوع دیگر** در جای خواب کریمه قدری خاک بر داشته
 بر زمین دفن کنند این شکل را و پنج آنی در میان حی بنزد و یا پنج در زمین دفن کنند
 و بنویسد بر پشت این شکل اسم کریمه باز آید بجان کجاست حفظ کنی این اسم

نوع دیگر این غریمت را نوشته بر بر سنگ بنهند
 اگر قفسه و فوسنگ رفته باشد باز آید بفرمان خدا
 طام امم غریمه

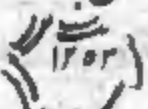

۴	۹	۲
۳	۸	۷
۱	۱	۶

کس
 فایده اگر خواهی که خبری کم شده را پیدا کنی سپردن با بالغ با دختری با بالغ را حاضر
 کن و این استخوان را بر ناخن دست ایشان بویس و بگذار تا خواب رود
 البته دنداد در مقابل او می آورد اما میباید که سپردن و دختر این مقدار
 عقل داشته باشند که شکل این کس از خاطر ایشان محو نشود و این شیخ
 بغایت مجرب است ناخن دست راست طربوس هر کس
 را بویس اگر اسن ناخن دست چپ طربوس پس فایده
 فراق ابتداء از چهار شنبه کند تا چهار شنبه دیگر تمام کند فایده اگر کسی
 خواهد بداند که قضای حاجت او میشود یا نه باید این اسم را بر دست کند
 و همان دست را زیر سر بندد و خواب رود در خواب با و نباید که قضای
 حاجت او میشود یا نه اما این است شصت شصت شصت
 نو عدد اگر کسی را شکلی پیش آید خیر و شر آنرا نداند باید که بعد از نماز حفتن این
 کلمات را بر دست چپ بخواند و بخوابد و شر آن کار را در خواب بیند
 اما این را با وضو نموده باشد کلمات این است بسم الله الرحمن الرحیم در حبیب
 در حبیب در حبیب حکمت اگر کسی بگوید یا ک را با ک و ک را با ک
 و بکشد و در وقت کشتن علامه نماید که یک چشم آن ک ده باشد و یک
 چشم آن بسته و بعد از آن کشتن آن چشم ک ده را از سرش بیرون کند
 و در لثه پاک بگذارد و با خود نگاه دارد و خوابش نیاید و گویند چشم باز نیل همین جا

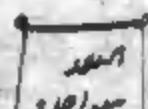
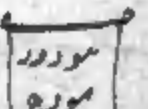
[illegible]

یا قزوین

با خود در سجده و بر روی کار نهد الطاع و عمر و ح فایده هر که در وقت
 تحویل آفتاب بخوابد روزی بر روز یکمشتغال مخلصه بار و غنایست شربت
 کرده بیا شام زهر بر روی کار نکند فایده اگر کسی خوابد که بریان را در خواب ببیند
 و با ایشان سخن گوید باید که بر کف دست خود این نامهارا بنویسد و بنشیند بخوابد
 یکی از بریان بیاید و هر چه خوابد او را در خواب بخرد و بنده بسم الله شست و شست
 بهشت فایده اگر کسی را غریب ببرد موی خضیه آدمی را بران موضع که از اندر شود و ببرد
 فایده بجهت حفظ بدن این اشکال را با خود دارند که بسیار مفید است کسلی السلس کمال
 سطی السیال لعال سخطا طوا احکامه ع الع مبری ح ح فایده حیوه و کافور و
 سبک که از هر یک بگردم و با یکدیرم شدگی کرده ب بند بده آنرا در صد
 نگاه دارند و وقت مجامعت بر قضیب مانند اکر زن کش ده فرج باشد تنگ
 کرد و مجرب است فایده اگر خواهی که بداند و متن بهم دوستی دارند یا نه بنویس این
 طلسم را و در سر سینه زن بگذارد و در وقت که آن در خواب بوده باشد هر چه در
 دل دارد و بگوید مجرب است و دعا طلسم این است بسم الله الرحمن الرحیم قال رسول الله
 ن اح و احد من ای ل دوم ی ول دول ی کث ف واج و سحر و جادو ک ک ح ح
 ی س الم الم ص فر فایده اگر خواهی که خواب کسی را ببندی بسیار از دو کور کند و
 مشت خاک و هفت بار این آیه را بخوان دوم بر هر یکی و بده بر یکدیگر جمع
 سازد و یکبار بخوان آیه این است اعوذ بالله من الشیطان الرجیم لفت

گشت فی قفله عن بد افکشفنا عنک غطاء ک فبرک الیوم جدید فایده
 هر که این شکل را نوشته و در درون دست خود بگذارد هیچ چیز با او کار ندارد
 و این بر سبب حسن و طبع است   فایده اگر
 کسی کند عظیم کرده باشد که یکم قبل بود این طلسم را بنویسد و در زیر زبان گیرد
 کند او غفور شود لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله فایده از برای قوی شدن

این اسنن را بخوانند و دست بدان موضع مالند از جوی جوی تر که کبوتر بپایند
 فایده از برای دور کردن باغ و بیل مرغ زار کم کرده مالند بر کسب و انجیر را نیز کم کرده بداند
 است بسیار بر سبب فایده از برای گرفتن سینه زنجیر بکتوله فلفل گرد یک توله
 فلفل را از بکتوله پیل مور یک توله اجوابن یک توله ملک لا موری بکتوله پیل
 بکتوله آله بکتوله پیل بکتوله همه را کوفته و بختی هر صبح بعد بکتوله تناول نمایند
 که بسیار بر سبب فایده اگر خواهند که زن بار بگیرد بنویسند این شکل را در برتن
 بندند و اگر مرغ بندند بختی نه بد و اگر برد خشت نیز بندند خشک گردد و بفرمان

خدا یتوا   فایده این طلسم شرف آفتاب
 که نقوشای عظیم شده باید که در روز نوروز

این طلسم را بالای طاقش کرده به همراه خود نگاه دارند در وقت تحویل با
 مجموع روز نقوشش باید کرد و اگر در وقت تحویل باشد بیشتر این است

همان نیز

فایده برای بستن زبان دشمن
و بدو بعد از نماز پنج گانه بخواند
که سبقت و بر بالای هر حرف
یک انگشت عقد نماید و پنج حرف

۱	۱۳	۱۱	۸
۱۲	۲	۳	۱۳
۶	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

که سبقت را به پنج انگشت تمام نماید و بعد از آن با قیاح یا رزاق بگوید زبان
ایشان بسته گردد و فایده اگر کسی تنگ دست شده باشد هر روز
نود و نه بار این اسم عظیم را مداومت نماید باید که روزگاری صاحب یار
میشود و عظمت این اسم شریف یا حمید الفعال ذالمن علی جمیع خلقه بطایفه
فایده اگر زن شوهر نداشته باشد باز عفران در جامه زن بنویسند التبت
از برایش پیدا شود و آنقدر تا نفع از آن نگیرد اگر کسی خواهد که شغلی را که نموده
باید این شکل را بر کاغذ نوشته در موضع که آن شخص ساکن بود و در پیش تنگ
مدفون نماید و اسم آن شخص را در میان شکل بنویسد البته آن شخص سرگردان



شود و شکل این سبب
فایده بوسه کردن و آن
هفت محل است اول
چشم دوم پیشانی
سبب لب و لسان کلوا

لا اله الا الله محمد و آله و سلم ۹۹۶۶

پنجم زنج ششم سینه مفتوح رخساره اما ناخن زدن در وقت مبدا
 یکی آنست که بالای پستان زنند با بالای کردن با بالای زنج با در تنگ
 و محل دغدغه دوم آنکه بر پشت و پهلو زنند یا بر رخساره لیکن چون مرد را اثر
 زود آید میباید که ناخن در آن حالت زنند که اسبک شود دیگر آنکه تا
 بالای تراش کنند زنند یا زیر پستان مو از نه چهار انگشت گذاشته و اگر
 اثر آن زن زود شود باید که هر پنج انگشت بالای پستان زن ناخن زنند
 و اگر در مو پاره شود و اسبک حاصل گردد و یا هر که خواهد در نظر بادش
 و امر او غیر برود بفرموده مرتبه این اسم اعظم را بخواند و بنظر ایشان داخل شود
 سبحانک یا آیه الا انست یا رب کل شیء و وارنه زود بر چون کسی
 پیش سلطان یا بزرگی رود این آیه را بخواند و بر جانب دست چپ و در
 بوم تجد کل نفس ما علفت من خیر محض او ما علفت من سوء و تودلوان بینها
 و جینه اما بعد اسم اعظم را بعد از اول و لا قوة الا بقدر الله ان شاء الله
 خیر و اعوذ بیک من شره فایده در معرفت مرکب با خن تعریف بسیار
 مرکب مزین تجزیه المجرّب باشد بسیار و روان و براق اما چو بود چشم
 عبق از آب نیکرد آن جلالتی در هم نپیرو آن خلالتی ترکیب بر کسی که نگو
 سبب اندوده و صمغ و زاج و ملا و صفت دود و صفت بزاج هم ترا زود است
 بزاج و دود و ملا جز در صفت صمغ خوش رنگ صمغ صفت صمغ صمغ صمغ

مباد که صبح را خیس کنند و بعد از آن صاف کرده و دود را منزه کرده و در میان کس سرخ
 با چوب بنیم برعم زنند و بعد از آن ریح و مار را صاف کرده و هر دو در میان صبح
 و دود بریزند و صاف کرده و این چهار اسم را هزار مرتبه بخواند و در اثنا
 خواندن سخن گوید خداوند این کس را در دنیا بی نیازی گرداند یا قوی یا غنی یا بی باغ
 فایده اگر خواهی که دشمن را در لیل گرداند در نظرش عزیز باشی و بر او کس که بری
 مکرر بخواند اجزط اجزط و بعد در نظر دشمن برای صلح و محبت مکرر بخواند و
 در صبح بدین دعا در کتاب اصول کلینی از محمد بن یعقوب قمی سه نوبت است
 که در آنوقت که یوسف پیغمبر را برادرانش بجای انداختند حضرت جبرئیل در حال
 شد و گفت ای یوسف خدای جل شانه میفرماید که اگر میخواهی ترا از غم
 خلاص کنم این دعا را بخوان و در خود از یوسف هم تعلیم گرفت از آن طبعه
 نجات یافت و در تفسیر قرآن شیخ علی بن ابراهیم نیز نقل است بخوبی که
 سند به الدعا بسم الله الرحمن الرحیم الله استلک بان لک الحمد
 لا اله الا انت المنان بدیع السموات والارض ذو الجلال والاكرام ان
 علی محمد و آل محمد و ان تجعل لی ما انا فیه فرحاً و محراباً پس گفت خدا
 مرا ازین غم خلاصی ده در حال از غم چاه نجات یافت پس حفظ کن این دعا را
 از برای هر طبعه و حاجتی که نخواهند البته بدرقیه قبول میرسد و از آن در طه خلاصی
 لا استک ولا رعیب هر که این آیه را در هر شب صد و دوازده مرتبه

هزار و یک مرتبه بخواند از الم در ویشی نجات باید بفضل و کرم حق تعالی و سبب
 آیه این است که ای الهی انقطع رجائی و انا الخلق وانت دجائی و عا دمر که
 این آیه را بعد از نماز صبح بجهت حصول مطالب بعد از مرتبه بخواند الله مراد حاصل
 شود الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز حضرت
 امیر المومنین علیه السلام فرمود که در سالی سبب و چهار روز یکشنبه
 اگر فرزندی درین روز زاده شود یا مرد یا زن و اگر کنکبند رود گشته شود و اگر عارت
 بنا کند یا تمام نرسد و اگر سفر رود و ابلس نیاید و اگر رخت بخرید و بپوشد
 سبب می نویسد و این بسیار موجب سبب محرم چهاردهم و پانزدهم
 صفر یکم و سیم ربیع الاول و سیم و سیم ربیع الثانی یکم و یکم جمادی الاول
 و سیم و دو از جمادی الثانی چهارم و چهارم و سیم و پانزدهم
 شعبان سیم و چهارم و سیم و پانزدهم و پانزدهم و پانزدهم
 و الفقهه دوم و سیم و سیم و سیم و سیم و سیم و سیم و سیم و سیم
 نقل است که حضرت رسالت پناه ص فرمود که هر که نماز بسیار قضا
 شده باشد چنانچه عدد آن نداند باید که در روز جمعه چهار رکعت نماز کند و در
 بدو تشهد و یک سلام و در هر رکعتی بعد از حمد یکبار آیه الکرسی و پانزده بار
 انا اعصناک الکوثر بخواند و نیت چنین کند که چهار رکعت نماز است دعا
 میکنم سنت قرینه الی الله و بعد از سلام این دعا بخواند اللهم یا مانی

. اللوت ویا سامع الصوت ویا محی العظام بعد الموت صل علی محمد و
 ال محمد و اجعل لی من امری فرجا و مخرجا مما اخاف انافیة انک تعلم
 ولا اعلم و انت تقدر ولا اقدر و انت علام الغیوب یا وارث العرش یا
 ویا غافر الخطایا و یا سبوح و یا قدوس یا رب الملائکة و اروح حمتک
 یا ارحم الراحمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الصالحین نماز و کفایت
 سال که کفایت شود و حضرت فاطمه زهرا ع فرمود که من از پدر بزرگوار خود
 شنیدم که هر که این نماز یکبار در چهار صد سال نماز او کفایت شود و حضرت
 امام حسن ع فرمود که من از جد بزرگوار خود شنیدم که هر که این نماز یکبار در هشت صد
 سال نماز او کفایت شود و حضرت امام حسین ع فرمود که من از جد بزرگوار خود شنیدم
 که هر که این نماز یکبار در هشت صد سال نماز او کفایت شود پس بدید که یا رسول
 عمر انیکس درین زمان یکصد سال نمرسد باقی نواها را باشد حضرت فرمود که
 نماز پدر و مادر و بر کفایت شود و الله اعلم بالصواب ۵

بتقدیم و دیگر کتب احتیاج نباشند آن حضرت این رساله را تصنیف کردند
 امامیه نام نهند و از لفظ عربی فارسی گردانید تا جمعی را که بعد آشنایان باشند نیز
 بهره مند گردند و بسبب این اسم محل بر صفحه روزگار جاندا بعد از آنکه ایدک است
 فی الدارین که ازین فرقه رضویه ضمیر بیرون می آید و اگر خواهد که باز تکبیر باند و اگر چهار
 را که هر دایره شش ثبت نوشته شده است نظر کند و ثبت خود را بیابد و بیند
 که در میان دایره چه حرف نوشته است و بعد از آن دایره شش گانه که در هر
 چهار مطلب نوشته است به معیند که در میان آن دایره چه حرف نوشته است
 پس این هر دو حرف را در مجموع الحروف که یک دایره بزرگ است و خطه نماید که
 بهلوی هم گویا واقع شده از اینجا گرفته تا نه عدد آنچه بخاطر سه حساب کند و این یکی را
 بانه هم کند که چند میشود و از اینجا گرفته که دو حرف را دیده است بشمارد و بعد از آن تا کجا
 که آخر شود برستی همان را خطه نماید که کدام فرع است و بر سر آن و از اینجا نیز عاقلند
 که در مجموع الحروف شمرده است باز بشمارد و در سطح ازین آنچه و ضمیر است بیرون می
 و طریق آن است که در حالت جنب یا سمت باشد دست بروی نکند
 و این علم را از چشم مردم پنهان دارد و ازین علم جمیع مہاستہ ہندی و سنی
 از کلمی و جزوی بر توطا هر کرد و دارند و نویسند این کتاب در حفظ و
 حاجت باریست باشد و الله اعلم بالصواب

طایفه سوال کرد بخانه عدد قریه رو از جای بجای رفتن خوبست خوابیکه دیده باش
 خوبست نزد قاضی برو که خوبست املاک بخیر که خوبست ازین غم خلاص شو
 ان شاء الله و از مطلق مده و تحویل مکن این عمارت مبارکست از سلطان
 عزت یاب صبر کن تا بجزا و برسی قصه سوال کردی بخانه عدد قریه رو این کار
 بزودی بر آید بجای رفتن را صبر کن خوابیکه دیده باش این ملک را بخیر که میگو
 بست نزد قاضی برو که طغر تراست ازین نزد یک بست که فرج یابی در طلاق
 و اون زن صبر کن عمارت و املاک بخیر که خوبست نزد سلطان برو که حاجت
 رواست ملک سوال کردی بخانه عدد قریه رو درین سفر غم کن که فایده بینی
 بشارت باد ترا که کارت بر می آید نقل کن که سعادت بینی این خواب را
 آشکار کن این ملک را بخیر که فایده بینی نزد قاضی برو که خوبست بشارت
 باد ترا که از غم رستی زن را طلاق مده که پشیمان نوی عمارت کن که خوبست
 بد سوال کردی بخانه عدد قریه رو درین دفت باد دشمن مناظره مکن و در قریه
 خوبست این کار بد مشواری که نزد صبر کن نقل کن که فایده نیست مرده
 باد ترا که نتیجه بینی خواب خوبست این مقام مهلکه را برو که خواب
 صبر کن که ازین غم خلاص شوی بیاز کانه برو که خوبست خود سوال کرد
 بخانه عدد قریه رو این رنجور رو دشت فایده البته محاصرت مکن که طغر نیست
 ترا بفر برو که سعادت یابی این کار بزودی بر آید ان شاء الله نقل کن که پشیمان نوی

ت
 طین خواب را نکبیس مگوی این ملک را بخور که خود تمام دارد و نزدیاضی مرو که طفر
 تراست رت باد تو را که فرج نزدیکیست باشد سوال کردی بخانه عدد و قمره روان
 غایب میرسد بد رنگ این را بخور بجز از چند روز خوب شود از دشمنان حد و گناه
 سفر کردن را موقوف باید کرد این کار بزودی بر آید انت و اندر درین وقت بجای
 زخم نیت خواب که دیده تغییرش خوب نیت این ملک را بخور که فایده دارد و ترفه

برو که طفر تراست چرخ سوال کردی بخانه عدد و قمره روان کم شده تو میرسد
 البته این غایب را کار بدیر کشد این را بخور بزودی شفا یابد از دشمنان حد و گناه
 واجب است سفر کردن را موقوف باید کرد این کار بزودی بر می آید درین وقت
 بجای مرو که بدست تغییر این خواب خیر است انت و اندر این ملک را بخور که
 فایده کنی انت سوال کردی بخانه عدد و قمره روان زن حامله سپرد باید این
 کم شده بدست آید البته این غایب بزودی برسد بخور بدیر کشد اما شفا یابد
 بشارت باد تو را که بدشمن طفر یابد بسور رفتن درین وقت صلاح نیت این کار
 درین وقت بر نمی آید درین وقت بجای مرو که خوب نیت خواب که دیده خیر است
 انت و اندر بط سوال کردی بخانه عدد و قمره روان دوست تو میرسد برادر
 این زن حامله سپرد باید البته این کم شده تو میرسد انت و اندر این غایب
 بزودی برسد بیمار ازین مرض خلاص شود بخور که بدشمن طفر یابد این سفر را
 دو هفته صبر کن این کار بزودی بر می آید البته از جای بجای رفتن نیک است

در سوال کردی بخانه عدد قمره روز دین تجارت خیر و برکت است این دست
بزودی تو میرسد این زن آستین سپر زاید این کم شده کجستوی پیدا شود این
غایب گرفتار بکار خود است این بکار بزودی محبت یابد این دشمن خد کن این
مباحثی بدین سفر فایده نیست مرد این کار بجز بر آید است و الله اعلم سوال کردی
بخانه عدد قمره روز این چهار بار پنج که فایده بینی یا زکات برو که فایده دارد معشوق تو میرسد
و خوش دار این آستین دختری زاید این کم شده تو میرسد بزودی این غایب یابد
بزودی این رنجور بعد از کهنه شفا یابد بر دشمن طغریا با است و الله اعلم سوال کردی
عشق سوال کردی بخانه عدد قمره روز معاش و روزی بعد از ده روز تو میرسد این سفر
برو که بسیار خوش است این چهار بار پنج که نیک است البته معشوق تو میرسد
چنانکه خواهی زن آستین سپر زاید خوبی این کم شده تو میرسد چنانکه خواهی
این غایب بر آید دل میرسد و در این رنجور بعد از چند روز به شود غم بخور که بر
طغریا که کس سوال کردی بخانه عدد قمره بود در وقت خیر است معشوق
زبان بینی است رت باد تو را بروزی بسیار این چهار بار پنج که فایده دارد
باز زکاتی کنی که خوب است معشوق تو میرسد به مراد دل زن آستین دختری زاید
البته کم شده تو میرسد بعد از این غایب تو میرسد در راه است این رنجور
بزودی شفا یابد سوال کردی بخانه عدد قمره روز این جم غم کن که بسیار
خوش است حبس که دار رنجور و ش آستین معاش و روزی تو میرسد بسیار این چهار بار

سبب کفایده نمی به تجارت بود که فایده دارد این دوست تو میرسد برادری این
 زن آستین پسر زاید البته کم شده تو میرسد بر حمت بسیار غایب تو
 میرسد تندرست باز سوال کردی بخانه عدد دفعه رو این زن را میخواه
 که مصطفی نیست در بنوقت چ میسر نمیشود این مشاع بفروش که فایده مستحب
 و روز تو میرسد بسیار این چهار بار را میخواه که فایده دارد در بنوقت بود امرو که تو
 نیست این معشوق و معشوقه این زن آستین دختر زاید البته این کم شده تو
 میرسد البته طبع سوال کردی بخانه عدد دفعه رو در این انبازی غیر نمی که خوب است
 زن خواه که مبارک است البته این چ بود که توفیق میشود این جنب یک داری مفروش
 البته معاش و روز بسیار تو میرسد در این چهار بار خردن تمجیل کن بیازگانی بود که
 سودا معشوق یکسره معشوقه است زن آستین دختر زاید البته کنوز سوال کردی
 بخانه عدد دفعه رو برادری بری دلتوش دارد این انبازی حذر کن که بد است
 این را میخواه که خوب نیست در بنوقت چ میسر نمیشود جنب یک داری در این
 وقت مفروش رزق بسیار تو میرسد البته این چهار بار را میخواه که خوب نیست
 در بنوقت بیازگانه مرو این معشوق را دل تو نیست غراب سوال
 کردی بخانه عدد دفعه رو این دوست حذر کردن اولیتر است برادری بر
 انش و قدر از این انبازی بود که بد است در این زن خواستن تمجیل کن
 که خوب است چ بود که توفیق است البته در بنوقت چیزی مفروش

معاش در روز بسیار تو میرسد چهار بار خردن خوب نیست بپایگاه
 برو که خوب است که کن سوال کردی بجایه عدد قرعه رو درین عمارت
 سعی کن که بسیار است از سلطان فایده یابی البته بمرا دل برسی البته
 ازین بازی حد کن البته درین زن خواستن صبر کن البته بچ برو که خواه
 انت و اقتدر چیزیکه داری بفروش البته معاش در روزی بسیار تو میرسد
 این چهار بار را بخ که فایده است پس سوال کردی بجایه عدد قرعه رو
 ازین غم شادی تو میرسد این زن را طلاق ده که خوب نیست درین
 تحصیل کن که خوب است از سلطان نیکی بسیار تو میرسد بمرا دل برسی
 بزودی درین بازی فایده بسیار است بشارت باد تو را ازین زن حوا
 این چ برو که خوب و توفیق است پس یکبار داری بفروش که خوب است
 عفاف سوال کردی بجایه عدد قرعه رو این زن را طلاق ده که خوب است
 درین عمارت تحصیل کن که خوب است درین وقت از سلطان دور شو بمرا دل
 برسی چنانچه خواهی درین وقت بازی کن که خوب است این زن را بخواه که خواه
 بچ برو که بسیار است البته انت و اقتدر چیزیکه داری بفروش البته معاش در روز
 بسیار تو میرسد شبیه سوال کردی بجایه عدد قرعه رو نزد قاضی برو که خواه
 این زن را طلاق ده که بشمار شوی ازین غم شادی تو میرسد این عمارت
 کردن میان است از سلطان عفت یابی البته درین وقت بمرا دل برسی اجازت

سومین ترین دار در این دنیا آنچه که صلاح است بچ بردن خوبست از آنکه
 در میان سوال کردی بختی عدد و رقم در و در عیدین این ملک فایده بینی تر و خا
 مرو که خوبست از این غم خلاص شوی از آنکه در طلاق دادن زن تعجیل کن عادت
 خوبست و بیوقت از سلطان و در شوهر اول بجز طوشت دار از این آسایش جز کن البته
 بخواه که بخت بدست شتر مرغ سوال کردی بختی عدد و رقم در و از این خواسته دیده خود
 کن این ملک بجز فایده ندارد و تر و خا می بود که خوبست درین غم صبر کن که برادر بی و
 دادن زن تعجیل کن درین عادت صبر باید کرد از سلطان عادت یا این است
 برادر اول بجز طوشت دار درین آسایش بجز فایده بینی چون ملک اب

اذا	جاء	نفر	اسد	والفتح	در آ	انسان	یدخلون	بے	دین
جاء	نفر	اسد	والفتح	در آ	انسان	یدخلون	بے	دین	اسد
نفر	اسد	والفتح	در آ	انسان	یدخلون	بے	دین	اسد	افواج
اسد	والفتح	در آ	انسان	یدخلون	بے	دین	اسد	افواج	فسیح
والفتح	در آ	انسان	یدخلون	بے	دین	اسد	افواج	فسیح	بجد
در آ	انسان	یدخلون	بے	دین	اسد	افواج	فسیح	بجد	ربک
انسان	یدخلون	بے	دین	اسد	افواج	فسیح	بجد	ربک	و تنفر
یدخلون	بے	دین	اسد	افواج	فسیح	بجد	ربک	و تنفر	آدم
بے	دین	اسد	افواج	فسیح	بجد	ربک	و تنفر	آدم	کان
دین	اسد	افواج	فسیح	بجد	ربک	و تنفر	آدم	کان	تو آبا

مساحتی که در دسترس بول که در گذشته باشد بر طرف کند و اگر در عمر خود باد آتشک بجای آید
 کشیده باشد جز در طرف که منتهی به حاجت کبیر که آید فرقی نشود باشد
 یا چشم آن در تن آدمی مانده باشد یا در شش همه را بر طرف سازد و کلفت را
 برود و گرم را در شش بکشد و اندوه از دل بدر برد و شادمانی آورد و معده را قوت دهد
 و بطنم و زردی را برود و بوی دهن را خوش کند و آب از دهن رفته را باز دارد و دهنی را بخیر آید
 و قضیب را محکم کند و اگر کسی از مردی افتاده باشد چون مداومت نماید او را قوت
 بدست آورد و در حدیث است را سود دارد و فهم را زیاده کند و کوش دریا را تسخیر کنند
 و حفظ را زیاده کند و محبوب را برادر خود در برگیرد و خشکی از دهن بیرون کند و فانی لغوه
 دفع کند و عیال که در اندام باشد از منزله بالا کلیه دفع سازد و البته علم سحر را در دهن
 باده کند و ترتیب داده و پوست بیکه سی شش متقال پوست آدمی شش متقال
 سیاه سی شش متقال شاه دانه بیست و چهار متقال فلفل گرد و دوازده متقال
 فلفل دوازده متقال زنجبیل دوازده متقال اسف دوازده متقال قلمونه دوازده متقال
 کبابی شش متقال ملا و که سرش اندازند شش متقال نازشک دوم ل
 قافله دوم ل مشک دوم ل همه اجزاء را کوفته و بخته با سیصد م ل قند همچون
 سازند و چنان کنند که سیصد و شصت بند بوقه شود و هر سوم کی را بخورند
 و قدری آب شیر گرم از عقب بیاشایند مداومت این شش خاصیت
 بسیار دارد ماه اول فایده این است که نموی سفید سبزه شود و سیاه و بر

میلاد النبی صلی اللہ علیہ وسلم

فایده این عسل بر سینه باریک است و سعال آب مزید بنویسند و در زیر قدم بپزند.

زن خانه نهند فارغ شود

زیتون مسوی بچوشا نهند تا آب برود و روغن بماند آن روغن را ببالند

نافع است فایده این دوا را بر همه یارده کا غنم صحره زده نوشته هر روز در

وقت صبح یک کاغذ را با کلام بنهسته نوشن نمایند شب بر طرف شود

بسم الله الرحمن الرحيم عطاك عطاك عطاك محمد شفاؤ من الله العزيز

الحکیم بن اطمطیطصل برضی اطمطاطصل برضی اطمطاطصل برضی

فاہرہ پیرا درود مذاق با بشو ابن اسم را بہین شکل جنوب و اول نوزن حبیبیم

و بر طرف قبله در دیوار زند و اگر بان شکنین نیاید در چشمه عین زند و اگر بداند

تخفيف نباید در چشم و او زند البتہ بہ شود یا معلومی شود بر غیر ما گسترده نم نماید

و غرضه کند که بسیار نافع است فایده هر که این حروف را نوشته در پیشه روز

که از دین پرمان حقیقتاً و سجاانه هرگز خالی نشود این عرصه در دل کس دعا

جست درو مشرق است از خط حضرت امیر المومنین علیه السلام بنویسد و میر

حسب انبؤ که مجرب است بامراد تعالی و تقدس

فاجده هر که این حروف را بنویسد در میان خود

نمونه از افت اینها باشد طمأنین بر سر عین غایب برای عزت یافتن و نزد پروردگار

100

[illegible]

ایک آئینہ

مسکین را از مسکین میگرداند و در وقت که مسکین را داخل نماید و همه را گرفته و بخت
 بدوزن بخت با عین خالص بخواهم آورده حب سازد و بوقت مجامعت
 یکی از آن چهار آرد و آن کبر و چند آن لذت یابند که زن و پسران که در روزگار
 این طقس را بنویسد و در روز پوزبان نهد عجب این باشد و لذت
 مسکین مسکین مسکین مسکین مسکین مسکین مسکین مسکین مسکین مسکین
 و بخوند هر زن و پسر از عشق او بفرار کرد و در چینه دفع کشتل در خانه که بسیار
 باشد این آیه را بنویسد و در زیر پایه چهار پایه بند چون عنایت الهی بر او
 شود بسم الله الرحمن الرحیم و اذا فتنتم نفق فادارتم و الله مخرج ما کتمتم فکفون
 زاده از برای هر زخمی نافع است بگوید و نیم یا مسکین نازه و کینه سیاه و
 یک عدد ببرد و کند یک جلد را بر طرف چینی نموده تا سه روز همراه چوب نیم ببرد
 بر دم زن تا آنکه سیاه کشته شود بعد بر سر زن خیمه خواهند بگذارد و گویند که الله تعالی
 به شود دعای است بسم الله الرحمن الرحیم و بنویسد است که من هر چیز نیل غم بخش حفره
 رسول م آورد و گفت یا رسول الله هر آن بنده که این نقش را در کتف یا
 خود بزند حق سبحانه و تعالی آن بنده را مسپ آن بنده را از زکام و تنگ نام
 و ناخونه و نایجه و موثره و قولنج و باد صرصر و باد قیصر و باد هفت و باد لکام و باد
 بیل و باد چکاول و باد قرق و باد مرغ و باد مرغ و باد مرغ و باد مرغ و باد مرغ و باد مرغ
 شکم و زرد آب و خوار است و بختی و زخم را در حفظ و بختی و زخم را در حفظ و بختی و زخم را در حفظ

که گفت و غلبه کردند و چون دستهای ایشان در دین و دینداری حضرت رسالت
 پناه میبرد و حضرت عزت میابد و نگاه جبرئیل عم آید و گفت یا رسول
 حق سبحانہ و تعالیٰ چه از برای تو فرستاده که بهیچکس نفروستی و باید که این
 امتان تو با خود نگاه دارند تا از مشرکها را این باشند و میبینند این مکه
 همه هلاک میشوند هر کس که این مهر را در گشته باشد اگر همه عالم تیغ بازند و قصد
 او کنند هیچ آفت با او نتوانند رسد و اگر از آسمان آتش ببارد و در خانههای او
 و خانه که این مهر باشد آتش نگیرد هر کس که این مهر را بطلا یا نقره یا برنج یا فولاد یا آهن
 یا هفت جوین نقش کند در سعادت خود و با خود دارد و از جمیع آفتها و بلاها و بد
 و درد و آلام و غم و از جمیع گزندگان را این باشد و هر که خواهد حاصل کرد و اگر در
 زن و شوهر یا سایر کارهای عهد باشد این مهر را بنویسند و با خود دارند و در میان
 یکدیگر برسانند کاری نخواهد داشت کسی خواهد که دشمن را هلاک کند روز دوشنبه این مهر را
 نوشته بر بوم ببرد و در کوره کشته و دفن کند و دشمن هلاک گردد و اگر در دوشنبه را بدین
 مهر نوشته و آب در آن ریخته و هفت مرتبه سوره فاتحه الکتاب بخواند و بر
 آب و در بخورد و در بیاضی حال باران نهد و هر کس این مهر را بخورد و اگر
 چشم خلیق عزیز و کسی باشد و هر که این مهر را نوشته بر بوم ببرد و از آتش
 هفت رنگ نپزند و بجانب بلند می بیند و بیاورد و با نام غایبی که خوانسته باشد

مسئله بیستم باید چنانچه در روز اول حکم را در دویم بکینا رود و سیم
یا سبکین بکینا فایده اگر شخصی خواهد کسی را در خواب بیند این حرف را
بگوید و در زیر هر که انداخت آن شخص را در خواب بیند حرف این
است و علی علی کلا جرع نوامه حاصل است و ع ۴۴ فایده هر که
این شکل را با خود دارد از هیچ بلیا نیست ایمن باشد و از کید اعدا محفوظ ماند و بگوید

فایده چنانچه پیدا کردن در دویم
تتمت زده و درش باید نوشت
و در میان تان گذاشته و آب
اندازند آنکه بسیار آید و در باشد
و مختلف نفث فاد از تم فیها مخرج

ع	ف	ی	ظ
ظ	ی	ف	ع
ف	ع	ظ	ی
ی	ظ	ع	ف

ماکنتم تکتون فایده هر که این شکل را با خود دارد و بر دشمن ظفر باید و بکین برود
زیادتا تواند کرد و فرمان حق تعالی و بجزیت این شکل بسیار کس و بزرگوار
فایده هر که خواهد جای خود را

رود این کلمه بخواند و بر خود
چیز آسبی بدو نرسد و بخت
الباسط فایده هر که
کم شده و در نیت این طلسم را

ق	ا	د	ر
ر	د	ا	ق
ا	ق	ر	د
د	ر	ا	ق

۵۱
مستدرق ضعیف بالندوان زن را که معیت کنند و بوانه او شود نوع دیگر از جنسی
و در بندرم بجایند و عذاب دهن بر قضا ضعیف بالند و معیت نمایند لذت بسیار
بایند نوع دیگر پیوسته خود پیشت را بر قضا ضعیف بالند و جماع کنند عجب لذت بسیار
نوع دیگر شانه زده و بندرم در رفل فل باد و شیر شیرک و با شش نرم چندان بگو
که جمده رفل فل جذب شود و بعد از آن با یک بایند و هر روز یکبار با شش نرم
نبوت بخورند تا یک هفته و بعد با شیرک و تنه دل نمایند شش ده زن را خوش شود
که او اند نوع دیگر منکر شک خاکی را بر قضا ضعیف بالند قوت بسیار بخشند نوع دیگر
خا قره ها با مویر کنند با برب بند و روشلر بیا میزند و غلوه کنند و در سه
نکاه دارند تا شک شود و بعد تنه دل نمایند و یک عت هر کنند پس از آن معیت
نمایند لذت چندان بایند که هر دو بیوشش شوند نوع دیگر زهره خا شش بر قضا ضعیف
و بهر زنیکه معیت نمایند و بوانه او شود نوع دیگر از جنسی و کیمیکینی از نجبیه بوزن
برابریست مانند ابو شلر بیا میزند و غلوه کنند و بوقت معیت یکی در دهن
اندازند و آب دهن بر قضا ضعیف بالند لذت بسیار دهد نوع دیگر رفل فل را از
باده شیر شیرک و بچوشانند چنانکه تمام شیر خشک شود و بوزن در سه بایند
انبوت بیا میزند و خوردن نفس را قوت دهد و شهوتران زیاد کند اگر چه غنی باشد
که بسیار مجرب است نوع دیگر اگر خواهند که در حال خار تو اند که در دور سوزان قضا ضعیف
نقد در حال سخت کرده نوع دیگر پوست انار را سوده باروغن تلخ بچوشانند

و شکر کم بر ذکر مالند سخت کرده و اگر بر پستان مالند بهین عمل کنند و بیکدیگر ایستند
 بر کف دست بنویسند و بعد از آن طبیب چند مرتبه یاری میدهد و جماع است و بعد از آن
 نوع دیگر دو انگشت زلف را در دهان و یکدیگر را در غنای نذیر و بنویسند کشتن حل کرده بر قنطیر و قنطیر
 مالند و قوت بسیار بداند و دیگر اگر کسی با آب منی کم شده باشد و با قوت ناسته روز
 سه کنجک بر روز زیاده و دو سیل کنند و مقرر سر را با آب منی خورند و بیاضی انورید و یکدیگر
 از بخیه بیاضی و ناسته تا بخورد آب شربت را زیاده کنند و بحال اصلی باز آید نوع دیگر هر که جماع
 مست باشد محکم کاه و در او دهنده از هر کدام بخورم یکدیگر بسیار نرم گوید و بوشن خروج
 کرده بخورده و قادر شود که روزی ده نوبت مجامعت تواند کرد و بسیار نافع بود و بعد از آن
 با دهنه بریان کنند و بخورند اگر دهنه گشاده باشد هر شب همه را خشنود سازد بسیار بویست
 بگوید و در یکدیگر زلف را با پیوز نذیر و اگر از اسوق قد طوطی را بگوید و در دهنه کاه
 حل کنند و بزرگ طلا کنند چنان سخت کرده که تا در آب سرد خورده و خنک شود و بعد از آن
 اگر زایل نماند کوه را از غبار و جنس پاک سازد و بچوشاند مقدار بیس آن را
 بیرون آورد و آب از آن دور کند پس با سعه لاف بیامیزد و هرگاه خواهد مقدار کم
 با دام و حوزی اختیار کند و تا از شرب آب مستغنی شود و بعد از آن اگر خان خدای غنیر
 با شکر بیامیزد و در آتش بچوشاند چند انگشت با هم آمیخته شود و بعد از آن در وقت
 مجامعت قدری از آن بر قنطیر مالند شربت را بیفزاید و چند آن
 لذت دهد که زن بهوش شود و اگر اسوق قد طوطی را بگوید و با شکر

قنطیر مالند

منقبض مالذ قضیب سخت و محکم و قادر شود ولدت بحال حاصل آید
 نوع دیگر در علاج مهباسرست بیارودن نجبیه بکندیم و سو قد قوطو بگویندیم سو
 بآب بر سر آلت طلا نمایند و زمانه توقف کند تا خشک گردد و بعد
 وصال نماید چندان لذت دهد که در دیگر نیکو نفع برادر علاج بسته ذکر و شکر
 بیاید کنشائی کو چاک و آب آن بگیرد و نگاه دارد و اول قضیب را در روغن
 عدس غرق کند و دو ساعت توقف کند بعد در آب کنشائی غرق کند
 و دو ساعت دیگر همان قضیب که سست باشد سخت گردد و بعد بر بگیرد
 کای عدورکی از کچو خورد و با ششمد بیامیزد و زهره بر زردان کند و در وقت
 حاجت بر قضیب مالدهد و زنگنه باشد با او یک ساعت نماید و بعد بر بگیرد
 و در چینی هبوا مبول چینی از نجبیه و خوب بساید و با ششمد بیامیزد و غلوطه سازند
 مقدار بکندیم و بوقت حاجت بکی اذان در بدن گیرد چندان لذت دهد
 که هر دو بیوش شوند و چون در دهن گیرد نماید و آب و من بر قضیب مالدهد و با
 در دهن باشد و بعد اگر خشک تدبیر با قند سرخ بخورد و در شبی ده مرتبه
 جماع کند و در مجود کرایا کوید هرگز از سر قضیب سست بود و بر شهوت قادر نبود
 سه روز خشک تدبیر دو بار روغن شیر تخم بچون اند و بر قضیب مالدهد
 نظم معالجه لای و سستی با عاقر قرقا کبابه و ششخانش و موصلی بکلیج و قند و
 اسکنند و به بهلی این جمله منیده ساخته باشند کن خیر و اگر غلوطه سازند چنان

بندهای جنگلی نانا را که کسی بخورد یک غول را آید بگردانست بدو که بودی
 آیا خلافت و دوران بعین دولت و دین که با تو خرج ستیز و نای ستیزد : توان
 طلبیب سیاهی دین ایام که در دهان تو علت ز خلق بگریزد : مراست
 از جمنی از ضعف دستت معده کرده : گزین جنت دل بکین چون در آید
 سته چار هفته شدی حکیم کای عضموم بهارت که ز شونت بوده انگیزد : ز یاد که خبان
 سرزدک و خودین سته که پیشش بکس از جای برنجیزد : خردس و او بخیزد بود
 اکنون : چون کبان ز سر سینه برنجیزد : نمی شود کسی طعنت درین ایام : بگر بجددی بجا
 و آید زده هنوز ناسته اندر مرای چون سنان : ز یاد در افتد و فی اردکان فرود یزد
 خدا بر این دهنه زاده ای کن : و کنه با از پیشم چو بخت بگریزد جواب تو لا اله الا الله
 ای سنده خدای که گاه نظم سخن ز در طبع لطیف کمر میرزد : بوال کرده از ضعف دست
 کرده : زهی لطیف بوالی که عیش از آن خیزد : ز یاد جیر و شغال ز فوفه و بهمن
 زنجبیل بگوید که فرود یزد : ز یاد چینی و جلفونه روغن بسته : بقصد صاف هم ادویه
 بیایند : بهر صباغ ازین بکدم تناول کن : که کرده بخت کند با در آید
 غذای خویش همه قلیه ز کسی سازد : بشتر و آنکه ز دیگر غذا بپزند : بهنقه و گرا
 عضموم کینان کرده : که از صلاست آن زه شیر بگریزد : برون و در سرش
 که افتد بگریزی و چنانکه هر که به پیغ زده و بر خیزد : هر آن نکار پرورش که ضرب
 آن بنده چنان مطیع تو گردد که از تو بگریزد : بهر باب بهر بنده بیارند چنان

بفضل کابون

بر یضیل کا میون و کجی شانند و پوست او را دور کنند و بر هر یضیل با مشک
 و زعفران و کلایع این آیات را بنویسند و چهار روز ناشتا بخورند
 کشته کرده و بر یضیل اول بنویسند فوق الحق و بلبل ما کانوا یعلمون و
 بر یضیل دوم بنویسند قال موسی ما جئتم به السحران الذین یطیرون و ان الله یصلح
 عمل المفسدین و بر یضیل سیم بنویسند انما صنعوا کیداً و لا یفلح السحر و
 الله و بر یضیل چهارم بنویسند بل نقذف بالحق علی ابطل فیدفعه فاذا هموزا
 و لکم الویل ما تصفون و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم نوید بکشتن در سینه
 یا غنی این نقش عظیم بر پیشه در و در بنویسند و در آتش گرم سرخ کنند و مرد را
 بگویند که بالای پیشه مذکور بول نماید شش هفت کشت ده شود باید که هفت روز چوب

نوید بکشد در باب مرد بشته این نقش را بر

ج	ک	ع	ح	جود
ص	ط	ع	ه	صلی

پاره سفال آب ندیده بنویسند و سفال را با

بالای کوبیده بدارند و او را بگویند تا زیر پای بند

در روز کرده بشکند کشته ده کلاه این است آورده سه در سه بدین طریق که نوشته شده است

نوعه بک این اسم را نوشته در زیر زبان گیرند

ن	ا	و
ز	ع	ج
و	ا	ج

کشته ده کرده اسم این است با سکه بک

ما یما سکه لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

نوید بکشته روز هر روز یک خدای ضبط کنند و

آن در قند گرفته فرو برند و در بسته گشت باید فایده از برای آبله اطفال که آبله میروند
 نیار و این شکل را باید نوشت و از گردن طفل آویخت بعد از آنکه کامله الهی
 آبله بیرون نیارود و اگر بر آید زیاده از سی و چهل عدد نباشد و شکل این سبب
 نوع دیگر این شکل را تو بسند زیاده برده عدد

۱۴	۱۳	۱۵	۲
۹	۷	۶	۱۲
۵	۱۱	۱۵	۸
۱۶	۳	۳	۳

بیرون نیارود و یک سبب و شکل این سبب

۱	۴	ع	ع
۲	۸	س	—
۶	۱۱	ع	ع
۱۴	۳	۲	۳

نوع دیگر برای دفع آبله و کم بیرون
 آوردن این شکل را نویسند

۱۳	۲	۳	۱۰۱
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۳	۱۵	۳

نوع دیگر این شکل را نوشته در گردن بزنند

۱۴	۲	۳	۱۶
۸	۱۱	۱۵	۵
۱۲	۷	۱۶	۹
۱	۱۳	۱۵	۳

نوع دیگر این شکل را نوشته
 در بار و بزنند شکل این سبب

فایده از برای گشتدن بول و غایط که بسته باشد
 این آبله را بنویسند و بسته بیاشند فی الحال
 گشت دیگر دو آیه این سبب و آن من الحجازه لکایم

سجی سے دما مراد
 لکنا و سن در موس

لکنا و سن

فلسفه
 و بیاض کنند و بر پشت آدمی نیز بنویسند بول بسته کنند که در این است

فایده در حفظ اصل هر که سوره لم یکن را بخوبی و حاصل از آن

۶	۷	۳
۱	۵	۹
۹	۳	۳

بیاض باشد از جمیع آفات محفوظ باشد و در هر اگر سوره الفاتحه

بنویسند و بر حالت بنده حل سالم ماند و بکمال برسد و دیگر

اگر کسی را محل بغیر این دعا را بنویسند و بخوبی و حاصل بیاض و حل بجز از این است

در روز دوشنبه بنویسند و وقت مجامعت در هر که بنده آب

نکاح دارد تا که بدو باشد انزال نشود و منقول است که سیاهان بن را و او را چهل جرم داد

و هر شب بر چهل زن میکند شرف از بخت که بنده و بچه که در دهنش طلسم است

نوع دیگر این غایت را

این است

نوع دیگر این غایت را

بر هر بغیر نوشته در وقت

حجت در روز بربان

نکاح دارد تا که بدو باشد انزال نشود و

چهار عدد و بچه که در دهنش طلسم است

۱۱	۳۵	۳۵	۱۶
۱۱	۲۱	۱۶	۶۱
۱۱	۲۲	۱۶	۶۱
۱۱	۲۰	۲۹	۹۹

در روز دوشنبه بنویسند و وقت مجامعت در هر که بنده آب

[illegible]

سبب من الله تعالى ۳ عدد ۵۰۰ لایحه (نوع دیگر این کلمات را بر کف دست بنویسند
 و پیش هر که روند مقصود حاصل شود است و اسد ۳۳۳ حل ۵۰۰ لایحه نوع دیگر
 این آیه را بر کف غنازک نوشته بموم گیرند و در زیر زبان پنهان کنند و بهر مطلب
 با کس سخن گویند مطلب مسیر شود آیه این است و تا کلون التراسس اکلان و محبو
 اهل جنابا بسیار بسیار مجرب است نوع دیگر این نقش را نوشته در دست گیرند
 و هر حاجت از کس خواهند و اگر در کمال طاع ۳۳۳ ۳۳۳ فایده علاج رنگه
 شیرش کم شده باشد این آیه را بر پاره نان بنویسند و بخورند آن رزق دهند شیر
 و اوان شود و له اجوار المنى است فی البرکة لا علم کل صبا پر شکور نوع دیگر شدن
 شیر زدن این دعا را بنویسند و بگردن زن بنویسند شیرش برآید شود بسم الله الرحمن
 بعد نمخل کل انشی و ما یغنی الارحام و ما تراد و کل شیء عینده بمقداره عالم الغیب
 و الشهادة الکبیر للشفاعی فیه بخت کشت دن بخت دختران این دعا بخوانند و بخت
 بخت بدو عا این است بسم الله الرحمن الرحیم و بقرک الله نعم انظر من الله و قد و رب
 و البشر من الله ان تستغنی فقد جازکم الفهم انتمنا الله فیه مبینة فافهم فی فیه قربا
 و عند منفتح الغیب لا یعلم الا هو اذ احب انظر الله و انفع و است انس و العلم
 نوع دیگر این آیه را بنویسند و در باروی دختر بنویسند بخت کشت کشت در باروی
 عن الاله و الازواج اجعل سبیل فرقا و فرقا تجی عمت فاطمة الزهراء بنت خدیجة
 الکبری علیها السلام نوع دیگر سوره طه را بنویسند و در باروی دختر بنویسند بخت کشته

کرد و خیره اگر میان زن و شوهر ناسازگاری بوده باشد این طلسم را در فک ایشان
نویسند و یک یک روز بسوزانند و هر شب نیت کنند البته سازگاری پدید
آید

۱۷۱ طبع ۲ ص ۴۶۱ ط در برای محبت زن و

شهر این غنیمت را بنام چهار کس بنویسند و زیر آتش بنهند تا عجایب بنهند چنانکه
گوید که بر ناله بنهند و درود و عشق هم بگیرد اگر در غنیمت این است با اسم اعدا الرحمن اگر هم
اسماء و عدد العظیم و کلمات اسمائات بگویند کعب اعدو الذین آمنوا شد حجاب الله
و نور الیقین ظهور از یقین الغواب ان القوة لله جمیعاً وان الله شدید الغواب
نیزه اگر نور خشک کنند و با سنجه آب بنهند و بر قضیب مالند بزرگ شود و در
در علاج کتف و در از کردن ذکر فایده او آن است که لطفه را بر جم تواند رسانند و زدن
تنیک خوش آید و رغب کرد و بگوید و پیچید و بزرگ ملا کند سخت و قوی گردد و در
بگیرد و غایب را در خشک کن و صلا بکن و با داغن بخور و بزرگ ملا کن و اولی ذکر را
با آب گرم خوب بشو تا سرخ شود بعد از آن داغن را صبح و شام بزرگ ملا کن و در هر ملاک
در داغن آب بشو اگر کفنه خشن کنی در سخت و در از نود و سطر کرد و بزرگ
و یکش و چند روز ناله ناله شود و هر روز بزرگ ملا کنند و هر بار با آب گرم بخورند
ذکر را تا خوب منفع شود بسیار سخت و بزرگ ناله ناله بزرگ ملا کن و در داغن
گفته و شیر یا بزرگ قضیب را با آب یکم مالند تا سرخ شود و شب اندوی بنزد جانب بر
شود و بزرگ بزرگ قضیب یا شیر یا ناله ناله خوب مالند تا ناله طبع و در کباب زرد است

[illegible]

سید حسن که محسن صبح یوم ۱۱ [۱۱۱] ۹ حکم حکم حکم
تجربه اخلاص شدن در وقت خواب سه مرتبه بخوانند اخلاص شوند بسم الله الرحمن الرحیم
انی اعوذ بک من الاخلاص ومن سوء الاخلاص ومن ان یبلا عیب الشیطان فی
الیقظة والنسائم یارب زد این آیه را بر آب خواند بوی دهد که بخورد در راه

شفا یابد اگر مارگزیده چاهری باشد بدست قاصد مارگزیده دهن تا بخورد همچنان باشد
 که مارگزیده خورده باشد و چون قاصد بیاید و بگوید که فلانی را مارگزیده صاحب منتر بگوید
 که دروغ بگوئی و این حرف راسته مرتبه مکرر کند و چون قاصد سو کند خورده که راست
 میگوید بعد از آن آب را که افشون کرده بقاصد دهد تا بخورد مارگزیده شفا یابد انشون
 این است یا در و درسته نوبت بر آب بخواند و سه مرتبه یا من هو هو و سه مرتبه
 لا اله الا الله یا عافی یا آسی یا کاسی و یا معی یا صافی بجلال محمد و عافی و علی
 القرآن ما هو شفا و در حقه للمؤمنین و لا یزید الا لاین الاحبار را نذر بر این طلسم

و	م	ع
من	و	ق
و	ط	ی

نوشته مارگزیده را خورده و در دست علت به شود
 و عافی آتیس فولاد بر آتیس کشند و این دعا بخواند
 بعون الی بر طرف نود بسم الله الشافی بسم الله الشافی
 بسم الله الشافی بسم الله الشافی لا یفرج اسمی شفی

فی الارض و بادای که بدید و در نهجای که عظیم بود بر تن و پوست و گوشت این بنده
 بجای تو را بت موی و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد صلی الله علیه و علی آله
 و اصحابه ای بادار سمیع و مطیع و اگر زبان برداری اخرج من هذه الموضع حتی لا آله الا
 الله محمد رسول الله و علی ولی الله و جنتنا من بین یدیم سدا و من خلفهم سدا
 فاعشیتهم فمهم لا یجرون و بعد از این شکل را بر کاغذ نویسند و بر آتیس
 بنهند و با بر بالای آتیس نوبت بر طرف شود

شکل این است

پس بر کندک آمد سارو یک پیسه بر پاره پاید و در او پس کرده پاشش پیسه بر
 مسکه که از مخرج کرده و بر بدن بالند بسیار مجرب است و بعد از آن برای داد چکاندن را خست
 خل کنند و بالند بسیار مجرب است و بعد از آن برای داد چکاندن و پس کرده و بر بدن بالند
 و بعد از آن ناخن بزنند و بخار انداختن در آید البته به نود مجرب است و بعد از آن برای کمی
 یک روز روزه بدارند و شام دو پیسه بر سیده و دو پیسه بر گوشت یا دو پیسه بر تیل حلوا باشد
 و نیم پیسه بر مینوه کندک پس نموده بالای حلوا بپاشند و بخورند و مطلقا در کتاب
 چیزی ذکر نوزد و یک پیسه بر نسل یا نیم پیسه بر کندک مذکور یا دو پیسه بر تیل مخمخ
 کرده شب بر همه اعضای خود بالند و جای گرمی که باد نوزد تمام شب بیدار باشند
 و صبح آب گرم غسل نمایند تا سه روز گوشت و در باغچه که خطه نمایند بر طرف
 شود مجرب است و بعد از آن برای خارش نیم آرد تیل تخم با سیت و یک یا چهل و یک
 برگ آگ بچوشانند تا همه برگها چشته شود بعد یک پیسه بر کندک و یک پیسه بر
 منسل و هدام بر شرف داخل نمایند و باز بچوشانند بعد از آن آن را در میان
 لکن بر آفتاب بریزند و برای دست بپاشند و اگر بپزند و جای دیگر نمایند بعد در آفتاب
 ایستاده شده بر بدن بالند سه روز چنین نمایند البته بر طرف شود مجرب است و از نود
 و نود یک تخم ناگبسر را پس کرده تا سه روز بر بدن بالند که بر طرف شود فایده
 هر عاقل و دوا باید بر بالا بیست آن این طلسم را بنویسند البته بر طرف شود طلسم

این است

خایره اخون کو درک که در اسب این عزت
را نوشته کردن فضل نبوت و اسم محمد و
و ان من الحجاز لا یفر منه الا نهاره ان منها
لا یستحق فیخرج منه اما و ان منها لا یسطح من شیء

٤	١	١
٧	٤	٣
٢	٩	٤

[illegible]

وی زانجهند نوید بر بگیرند که سه ماه و سه روز گرسنه دارند و بعد از سه روز
 داغی سوار دیو مو کشش بدو خوراند و بعد از چپ او را در هوا کنند و
 زیر دمان او بنهند تا جگر رو غشیکه خورده باشند باز در بعد آن روغن را در جگر
 سبز بوزانند و دود آن را با ظرف سبزی بگیرند آن دود را با شیر زنجبیل و
 فزندی نیند آورده باشد آینه با سیل چوب آمی در چشم کشند و هر جا که بروند
 کسی او را نه بیند و او همه کس را به بیند و چوب است فایده اگر کسی را شکم عارضی باشد
 و اندو او در مانده باشد که هیچ دارو به نشود این علاج کند شفا با بد بیمار و منجر قبول دانه
 بریان کند مقدار چهار دانه و با سکه کا و خط کرده بخورد شفا یا بد است و اندو او
 و غشیکه بدویان را بریان کرده باشد کتری بخورد و نیز من فایده دارد و فایده هرگاه کسی
 خواب بد بیند این دعا بخواند اعوذ بها عذت به ملائکتهم اعدا المفقون و انبیائهم المرسلین
 و عبارات الصالحون من شر ما ابست من رویای بوزان کوره حد و قل هو الله احد
 و معوذتین بخواند و بجانب چپ سه مرتبه آب و من بیند اندو احد اعلم فیه هرگاه
 کوش درد کند ماهی کوفته یا لای تش بداند تلای ماهی روغن جدا شود و آن
 روغن را سه چهار بار در کوش چکانند شفا یا بیند بسیار خوب است و هر که بگیرد شفا
 و سرش را گشته اند بون او را خالی نمایند و در روغن کم کرده در درون آن بریزند
 و در کوش چکانند و در راز ایل کنند و اگر آب پان بگیرند و باروغن کل بخوشانند و ششم
 در کوش چکانند کز کوش دفع شود و هر که در وقت خفتن یک شربت آب کم

بخورد اگر در سر و بدن شقیقه داشته باشد دفع کرد بسیار مجرب است و هر که آب
 چای از سرخ را در بینی بچکاند در شقیقه را دفع کند بسیار آرد نموده مست فایده بخت نقل معده
 ستمه سیه این انسون را باید خواند و چون خواندن بر شکم دست باید مالید بفضلی و کریم
 اثره تجا بر طرف ناف و جوی نر و جوی ترک و کبوج فایده و در علاج یوز الکس تخم شنبلیله
 با مقدار و تب بیکار در آبن سنگ یا ریخته سنگ صلا به کنند و هر صباح با پا
 و تب بیکار از آن فرو برند و از گوشت و شیرینی بر غیر کنند و رسم دست بر غیر کنند
 دفع کرد و نوبه بیکار در قوری ریت چینی و قوری نبات سفید و هر دو را خوب صلا
 نمایند تا ستمه روز هر شب مقدار یک از هر یک علیحدگی بجنب کنند و صباح صاف نمود
 بپاشا مندر شفا یا بند آرد نموده است فایده هر که در وقت و بدن ماه نو یا بن شکم نظر

لا اله الا الله	الا الله	محمد	رسول الله
۹۲	۶۲	۳۲	۲۲۲
۱۰۱	۵۵	۵۵	۲۲۲
۲۹	۲۳	۲۱	۱۱۱

کند تمام ماه را بجهشت و شاکه انداخته
 فایده غار برای هلاک ساختن دشمن که
 هزار سال بیدار داشته باشند
 باید که بیک روز روزه گرفت و تصدق داد
 و در وقت آخر شب دو رکعت نماز

کرد و بعد از حمد هر سوره که خواهند بخوانند و وقتی که از نماز فارغ شوند سجده کنند بگویند
 اللهم ان فلان بن فلان باید نام دشمن را برده بگویند قد آذانا الله اسم مذ و قطع
 اثره و انقض اجله و محل که ذلک فی هاهمی بدو دعا دفع کند کان زهر دار ستمه

بپاشا مندر شفا

بخوانند و دستهای بر هم زنند و غرض از این است که سبب از سببها من منکر کل غرض و دلیل
 حقیقت ششجمله قرینیه طمعه بحر قفای است که در حکیم جمیع است و عاقل بر آن قوت یافته است
 حد و اقل کثیف و معلی و در ل زعفران کثیف و مشک نیم مثقال تریاق و در مثقال
 باید تریاق را در کلاب نجیب نهند و بعد از یک حل شود و بعد صاف نموده در آفتاب
 بخوابد و آنرا در آفتاب کوفته و بخیته داخل کنند و خوب خمیر نمایند و مقابل باشد حب
 ساخته تناول نمایند که نافع است از برای کسی که از آنکه بکارت تواند کرد
 و اگر باشد صفت آن زنجبیر و جینی خضبه الشلب شوقه جاز با بولسان العصار
 مصطکی زعفران و در قفل بوزیدان و در دانه همین ابیض و در دانه ملهون تخم خربزه از هر
 دو مثقال مشک غیر یک کثیف و حب القفل سه درهم زاید لکند و سبب بخوریم
 عمل بوزن سه درهم ترکیب کنند و عسل که در آن سفید و صاف
 و براق کند صفت آن آرد چو آرد نخود آرد یا قلاش سه گشنیز خاک تدب
 کوفته و بخیته شیر تر ساخته شب بروی مالند و صبح آب گرم و سوسن بپوشند
 و بعد از آن که همین حاصل است و در صفت آن یا قلاش سه گشنیز تر مس تخم
 تربت مخم خربزه نخود است همه را کوفته و بخیته رو بر ابدان بپوشند
 و در وی که بهوشی آورد و صفت آن و فیان بخوریم شش خوش عیون و هم
 در سه رطل آب بپوشانند تا بر رطل آید و نیم رطل منرک پاک بپوشانند تا آرد
 نیست شود پس منرک و خشک تا چند بپوشند و کثیف از آن مر را بپوشند

پیشش شود و بعد از آن اگر در شش در شراب گشتند هر که بخورد پیشش گردد و بوی
خشیش عجل نکند موایر یک چیدم برز اینج دو متقال بخوشاند و صفت
گشتند و با قند لقوام آورند متقالی از آن سکر باشد حکمت در راه رفتن بسیار
که مانده شوند بیل سفوف پس بیل ماک در کف پای مالند و غنیمت و زبانت شده گشتند
و در تجمل روند مانده شوند و بعد اگر بر دخت بل روند و فرو آیند و سینه باو گردد
درخت بگردند و روان شوند بگردن بجا کرده توانند رفت و مانده شوند و بعد بگرد
بیاوند و غنیمت و مقداری بیل سفوف پس بیل ماک از هر حال بود را بستانند و بجا بماند
گشتند و در کف پای مالند و غنیمت از پوست شتر پوشند و هر چند که راه روند مانده
نشوند و بعد بگردن غنیمت و زبانت شده باشد در یک بیل او سینه غنیمت
عیکوب بیندازند و در برابر بیک بیل بگذارند و در آشیانه او بمانت بمانند
تا غنیمت و زبانت شده باشد و چون بچکان بیرون آورد آن بیل که در آن
عیکوب انداخته اند بستانند و عیکوب در میان آن گشته شده باشد اگر آن
گشته را در دهن بگیرند و صد و سنک پیاده بروند مانده شوند و بعد بگردن اسامی
اصحاب کهنه را بر آن اسب بگذارند هر چند که راه بروند مانده شوند و حکمت در نشسته
نمودار نشود و اگر می آتش بکاغذ سفید و زوب بماند و بنویسند و هیچ نوشته
نخواهد نمود چون بر آتش بدارند نوشته سرخ بدید آید و بعد بگردن و زوب بنویسند
و بر آتش دارند نوشته معلوم کرد مانده بگردن بماند و بنویسند چون کم

کشد نوشته سرخ بدو آید که دیگر از شیر و گل درخت عدس بر جابه سبید تر
 بنویسند چون خشک شود بنامند چون در آب اندازند نوشته بدو آید که دیگر
 با سفیدی چاقی بر کاه بنویسند بخوابد نمود و چون در آب اندازند نوشته بدو آید
 حکمت اگر خوانند بر سنگ نوشته پیدا کرد کاک دو در روغن بنویسند از نو هر چه خوانند
 نقش کنند سه روز بگذارد پس محو کندش بنویسند نوشته پیدا شود و اگر نزارد
 بنویسند زود حکمت خود چین و خشک نموده بوده کشد و دوده بگیرند و از آن
 دوده سیاهی بسازند و از آن سیاهی صورت جانوری که در پشت دست
 بنویسند در کعبه است نمودار خواهد شد حکمت در ادویه که بوی شراب
 و سیر زایل کرد و صفت بیازند بخت و داری و ناز و شک و از خود قفاح از خود
 و بیخ بخت و کباب و استبداد و شک برابر بگیرند و کوفته بکباب بپزند و حب
 سازند بر مثال نخود و در روغن اندازند حکمت و اندک شخصی را هر کی میاید میاید
 که یک که بهوز غفر بنویسند و دو نیم مرغ بکی بگوید و بوی بندد و صاحب بر کرا
 که در عین حالت مرگی باشد در هر دو سوراخ بینی او چکانند سه چهار قطره
 وقتی که زود مرگی از بینی او بدو آید و پاره خون چکد و بعد از آن روغن مواد و در بنج
 او سه قطره گذاشته از بنج بند کنند و صحت شود و صحت برای خلاص شدن
 بندی این مثلث را با نام کورد کاهی بر بازو بندد یا بر بند بندد یا بچوبوس بندد

۴	۱	۵
۳	۶	۲
۲	۷	۳

بکرم خفغالی زود خلاص شود

حکمت پیل دم اسپیل کوبلے یکجا فنیله کشتند و بغیر و زند تمام خانه پرا
 زو عسدر غم در خوره را روشن بکشند و باز لالاب بند و در فنیله بروغن دستوره
 چرب کشتند و بغیر و زند جل خانه پرا آب نماید حکمت خانه پر کو در نمودن کو دست کشتند
 از راه جل کوبند و در هر چه اند پیل او چران بغیر و زند هر که در آن خانه نظر کند بر از کوفتون
 نماید و نه کو در بکشد و در دهن او بنبه دانه بند و زیرین کند چون بنبه بر آید و پاکرد
 آن بنبه را فنیله کشتند و چران او زو در کاکه روشنائی آن چران رسد جل کوفتون
 نماید و در هر چه بماند بستاند و از آن چران او زو و درون آن خانه هر چه از خوب بماند
 که باشد بچو کوفتون نماید و در هر چه پوست کوفت و در چهار فنیله کشتند و در چهار چران
 و در چهار کنج خانه بدارند تا بسوزد تمام خانه بپا کو نماید و نه بکشد خود چین و با بک
 بس بند و در خانه لعل بچند و فنیله کشتند و شب در چران بغیر و زند هر زنیکه نزدیک آن
 چران آید جامه از تن بیرون کشتد و بر حنه شود حکمت در او بخشن و در چران با یکدیگر ببارد
 پیل دم اسپیل بزند و بچران پیل دم بغیر و زند و در دوم چران پیل بزند پس هر دو چران را
 بیکدیگر بزند و از آن در زمین بند چنانکه مسکن ایشان در زیاده از مفصل باشد
 هر دو چران بپزند که در هوا جنبک میکشد بغیر و زند ای غرض حکمت از جو کل منون
 فنیله کشتند و کشنر خشک را در میان آن بچند و چرب کشتند و بغیر و زند تا پاره لبند
 پس بکشند و در چران بدارند چنانکه دو دو او چران رسد آتش از چران اعدان
 و فنیله بغیر و زند حکمت در کشن چران او در خشن و در صورت بس از خواجه صورت

اولی از اول

اولی و خوله صورت مرغ اندر همه خواهد زد و دهن یکی را نشود بگند و دهن یکی دیگر را
مادر پس چراغی که خواهد میزد صورت نشود سپیش دارد تا چراغ نیمزد و چون
خواهد بفرود هنوز باید که کل آن چراغ برقرار بود آن صورت که دهن آن مادر
سپیش چراغ دارد حکمت روغن بار کوسم بیارد و بر آن چراغ برافروزد و چنان
که با قوت و زرد و جواهر و گیزی سوزد آن چراغ از باد کشته نشود حکمت هر که
مف روی بدست خود دارد و سپیش چراغ باید روشنای چراغ برود و خوب است
حکمت هر که جامه را با آب نازک ترکند و یک نازک درون آن جامه بدارد و
کیم کند و آن چراغ آتش بگیرد چون آب نازک تمام شود سوخته باشد آتش خروشد
و جامه سلامت باشد حکمت از ششم کوسفند و منون قتیله زند و چند جایگاه
برافروزد و دو قوح بر زمین بکارد و یک ریسمان به بندد و چنان نماید که هر دو کله بهم
بچسبند هر چه هر زخمی بدم ناند و بگوید و علم است غیر صلایه نمایند و بر زخمیکه بسیار
آزار دهد بگذارند و بگوید باده بجان جنگلی را خشک نموده صلایه نمایند و بر زخمیه حقه
بکشند و تا هفت روز درین ایام نان نخورند و بزمک نوب کو بزم نکند و
کوفته آتش را بگیرند و روغن مواد و داغ نموده موم را در آن میان اندازند که و اشود
بعد از آن آب بدم نکند و کور را به زرد و پسته جوش داده در پیاله نمایند تا سرد شود و بعد بر
جراحی که دارند نوبت بزنند و طبعی زنگار یک نخود فلفل هفت عدد ماری زرد هفت
عبودی رخی دو عدد کدو و علم قدری است غیر قدری اولانید و طبعی را عبود و امارد

بوزانند و باقی اجزا را اصلاح نمایند و زخم را بشسته خشک نموده بپاشند و طعم
 بلغم باید جوهر و ترشی و سفید و ترسب نباید جوهر و نوید که حاشیه حقیق من و
 بوزانند و بر جراحت پاشند خشک شود نوید که سفال آب ندیده را بار و من کاو نرم
 با بند و مرهم با زرد و جراحت پاشند گوشت نازد بر آرد نوید که کین آب که ترو
 گرم باشد بر بالای جراحت نشاند خون رفتن را باز دارد و جراحت نوید که برای هر زخمی اجزاء
 خراشید و جام بر بنفشه کندک عدویه بر منسل عدویه بر پاره پیسه بر و اینها را بر یک سفال
 آب ندیده با چوب نیم خوب پس نمایند و بعد از آن پاره را باخته اند و با بند که
 سیاه شود و بعد تمام را بردارند و سیاهی که سفال میاند بقدر دو پیسه بر منسل گرفته
 در میان سفال میزند و تا سیاهی باقی است بردن میالند و بعد از آنکه سیاهی
 سفال بر طرف شود هر وقت که خواسته باشند بقدر دو کودی بردارند و با دو پیسه
 تن غم مخروج کرده میالند و بر سب نوید که تنل کجید و موم سفید و کاغذ و باطل خرد
 بعد بقدر دو کودی بر منسل و طیار اسوار بند مخروج نمایند و جراحت نشاند به شود نوید که
 ترکیب مرهم نیم مرویک پیسه بر کاگ دو پیسه بر دم نیک اگر تر باشد هفت پیسه
 و اگر خشک باشد دو پیسه بر دم نیک دو کوبیده یا هفت پیسه بر مسکه کاو و کندرا
 هم کوبیده و موم را داخل کرده بر کثوره مسس کرده بر روی آتش بگذارند و بقدر جوش
 بدینند تا سبیز شود و بعد از آن اگر کبیره خفاف کرده بر جراحت نشاند نوید که بر زخم
 مزخ را بر دست میالند تا همه خشک گردد و دفتید شده از دست بریزد بعد مرهم نموده

بالای جاست بجز آنوقت به بنود خاصیت این شکل اگر کسی را همی شکلی افتاده باشد
 و به هر شکلی در زمین پاک و یا برشته نبویستند و بگویند آن مهم سیر آید هر روز با توده بار شود
 باز بگویند و ایم با توده بار است و بعد آن مهم بزودی سر انجام پیدا آورد نقش و نوع است

حکمت اگر خواب	۶	۱	۴	۴		۶
کسی نباید چو افتاد	۳	۴	۵	۷	۶	۳
بی جد و غزون	۲	۹	۲	۲	۹	۴
مشروط آن شخص						

نزد آن بالا بر بالین او گذارند و خوابش برود حکمت اگر خوابی لعلی سبزی در سنگ
 بهاد بیاد بهفت تربت در آب زوم غفر بچو شان و بعد از آن خشک سازد و در آب بجم هم
 بار بچو شان اما یک نو نازه قلعی باشد و بهفت تربت هم در نوع بچو شان اما نازه باشد
 و بعد از آن در روغن کاه بچو شان چنان لعلی شود که مثل نداشته باشد اما از ضمت آن
 بار و اح اولیا خیر نماید حکمت اگر خوابی که خانی بسازد که خود بخود حرکت کند بکیر خاتم
 بو نقد و کلمین دان آنرا از رک سازد و قدری بکوبد در آن بنه دروی آنرا باین
 یا نقره بچو شان بسبب اگر بسنگ کرم یا آفتاب و یا آتش نهند بکرت آید خالص
 اگر این مثلث را بر کاغذ بنویسند و در زمین دفن کنند و اسب بکیر بسته بالای آن

۴	۵	۲
۱	۴	۹
۸	۳	۴

بگذارد بکیر بسته بکث بد محراب بسبب این کنند

حکمت اگر خواهی بگریزی که بروی آب ایستند و بجه نرود بگریزانی بازده
 که از یکدک و نیم زیاده نباشند و بکین آنرا طرد بوی و عنبر دایع کن و در آب انداز
 بروی آب باز ایستند حکمت آب تا سنورد بجای و آب بهود و اعدل بجا
 کنند و بر پیغمبر هر چه خواهند بنویسند و نقش کنند و چون خشک شود بوی
 در پوست دور کنند هر چه بر پیغمبر نوشته باشند بر پیغمبر بدید آید و اگر از این
 آب در پیغمبر کبوتر سفید که نرود و مله هر دو سفید باشند بنویسند و در زیر کبوتر
 نهند و چون بچه بیرون آید بر شکم در پیغمبر کرده اند آن نقش در بچه بدید آید و بخت
 حقیقی حکمت اگر در خانه دو بسیار باشد کسی آزار کشد کف آب بر دروازه
 خانه بپاشد و در طرف شود حکمت اگر خواهی که شب از بیداری بیهوش آید و نشکند
 بگریز شب و پر ساز از پد سبانه بکین باید که موضعی از آن شب بیهوشی خالی نماند و هر
 آنرا محکم ساز و بقی حکمت حقه قوت پای بکیر و در فی در قوسی غیر و نویسد
 بر این بجان کعبه و بعد از آن بخور کند و بعد در شب زبان گیرد هر چند خراب
 مستوده زندمانه شود **کعبه حکم لک** هلسم دیگر خوب و هر
 شب سر زن نهند قوسی غیر **کعبه حکم لک** هلسم لک لک لک لک لک لک
 فایده هر که دختر خواهد و باوند هندی این هلسم را بنویسد و در آب بنویسد و آب را در
 خانه بداند انگس باشد و دختر یا پسر بدید آید **کعبه حکم لک** هلسم لک لک لک لک لک لک
 هلسم بخور کنی و اگر در خانه یک نفر یا فایده هر که این دعا را در روز یکشنبه

نوشتند در میان طعنه کنند و بگویند که بخوراند عاشق دی کرد همچو که یوسف باز نجا شده بود
لقد جاءکم شیء ما نفعکم عزیزنا عنهم در وقت رجیم قدسی اندوخت و هورب
للعشیر العظیم فاره زانگونه خالص دم و بیار بیک چهره روغن کج در آرد بکن خط
و ترساز جامه در و پس از حیض زن شافه سازد و در سه روزش بکوزد و او جدا
شود حال زن بکلم خدا حکمت اگر غنی مرد و در سنگ را در عدل اندازند شراب شود حکمت
در علاج زن که روز و انزال شود و عیوب بکند هم نکارشش در کم کافور جوهرانه بخورم و کجا
آس کشند و فلفل را ز کبدم پوست پنج چینه و دو دم استبا و نکور را نیز با یک آس نماید
و در شهادت اندازد و عیوب نیز میندازد و بسیار ببالند چون یکی شده باشد نکار و کافور
بعده اندازد و نکار بداند و بوقت کار بر حشفه طلا کنند و زمانه توقف آرد تا خشک شود
بعده دخول نماید زن انزال کند و مرد را دیر کشد و نکار و کافور و کجا بکشد
آن یک را در کات اندازد و سر زله را که با بنبول دهند و حال انزال کند حکمت جهت
لذت یافتن و غلبه بکند و کبدم کابین و چهار دم و در زن و کبدم زنجبیل و کبدم و زنجبیل
کند و با سوسه بیانزد و در وقت مجامعت اندکی بوقصیب مال زن را لذت عظیم دهد
و بعد بکوزد و بخورد بریان به پوست و با شکر سرخ از هر یک بخورم بوقت خفش بخورد
و مجامعت نماید زن را در نهایت خوش آید و قوت باه حاصل کرد و فایز این عزیبت
را بر کف دست چپ بنویسند و بر سینه هر که خوابند بکوزد و در خواب و تحاش کنند
و او قسطنطنیه فادار اتم فیها و اندر خرج ما کنتیم کیمون فلفل انزویه بغضها کذا الکلی اسد

الموت ویر بکم آینه حکم نفنون حکمت اگر شروپ ترش باشد مفتی مری و کفی در آن فکند
 و کدازند که صاف شود فایده از حضرت ائمه معصومین علیهم السلام منقولست که هر که
 این کلمات را با خود دارد اگر خواهند نفس را سبب چرب با و کار نکند و اگر پیش
 یا حاکم بعد چون سخن گوید بر دهنش باندند و باذن الله تعالی و کلمات این است یا سلیم
 یا کفیا یا کفیا فایده از برای حفظ بدن با خود نگاه دارند این سه کلمه را که خوب است

فایده بازگشت دهن مهر این طلسم را
 بر کاغذ بنویسند و بوی وینند تا بخورد
 مرثیه عن حق صلوات الله علیه که اسرار

ح	ف	ی	ظ
ظ	ی	ف	ح
ف	ح	ظ	ی
ی	ظ	ح	ف

حکمت در علاج آید بعد از جماع بهتر است
 از هر چیز غلیظ باید که آب بنموم
 باشد تا سه بار بنمورد آن فضله که سبب جماع ترشح کرده است از آن بپوشد
 اندام بنویسد غسل کردن مفصل را فوی گرداند و سفاط و طبیب نفس حاصل آید
 و بوقت غسل اندام نیک باشد تا از منافع فضلات دفع شود و بعد از جماع چند
 قطره چرب بنشیند بسیار خورد و شیر بنوشیده اولیتر سب و بعد از جماع آب بخورد
 که اگر در پنجاه جزو که کمتر آن در پنجاه فالج و صرع باشد و بعد از جماع اگر خواب نکنند بهتر است
 حکمت اگر شفق لوی کارد بر اینج گرفته بگذرانند هرگاه بر آورند تا نه و آید بار باشد
 و به جهت اقبال و جباه و عت و حرمت این طلسم را در پیش

توجه

نمودند که اگر کسی مدعی عدل و کفایت باشد
در خلق مشیرین شوند و حقیقت را دوست او
کردند نزد دیگران دوست یافتن نزد خود خلق این

خود نگاه دارند این است

ب	ط	د
ز	ه	ج
و	ا	ح

این طبع را با خود نگاه دارند

حکمت اگر با دین را چاره کرده

در سایه خفا کنند ابو بکر

ب بند و در پستان و خنجر

بالند بزرگ نشود تا به این آید

ع	ز	ی	ق
ز	ی	ز	ع
ز	ع	ز	ج
ی	ن	ع	ن

در گوشه سازند در وقت سفر رفتن بعبادت الهی بسلاست باز آید

ان الذی فرض علیک القرآن لراؤک الی معاد و نزدیک بجهنم سلاستی در سفر رفتن

بجهرت امام رضا علیه السلام و این دعا خواند اللهم انی استلک بحق و لیک

الرضا علی بن موسی الاصفهانی بی بی جمیع اسفار بی فی البراری و البحار و الجبال

و الغفار و الاودية و الحیاض من جمیع ما خافه و احذره انک رؤوف رحیم فایده

دفع اعدا چهره در روز قیامت باید خواند اللهم انی استلک بقوتک القویة و کلام

الشدید الذی کل خلقک له ذلیل ان رضی علی محمد و آل محمد و ان تاخذة الساعة

فایده اگر حبس زکس را بگویند و آتش را چوبی مالند و از خود حبس بشین

برعد که بخواهند بخوابند و سه سه بشمارند آنکه بداند اضافه است بقاعد و بکیرند

[illegible]

نمود
نزدیک چون باین نقش هر روز نگاه کند آتش دوزخ برود و هر که بخواهد
نزدیک بموجب پیش مذکور است

مصحح	مصحح
مصحح	مصحح

الله	الله	الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله	الله	الله
الله	الله	الله	الله	الله	الله

نزدیک ثواب هزار حج و عمره در یابد

حکمت اگر کسی او بخوره در

باید چند دانه بنه دانه
بخورد او و هفت البته کیف

بر طرف شود بجز و آزموده است

کتاب تحفه الغرایب

مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح
مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح
مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح
مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح
مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح
مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح
مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح
مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح
مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح
مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح	مصحح

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد عید و سپاس عید نماز بارگاه ملکوتی نیاز تبارک و تعالی
و تقدس که کلام مجید و رفیعان حمید را جهت رهنمائی بندگان بی بضاعت
و سرکشندگان بلوی جهل و ضلالت بوسیله صاحب شفاعت و شفیع